



بحران آب و یک راه حل قطعی



در پی تجمعات و راه پیمایی های اعتراضی و متعدد کشاورزان اصفهان در ماه های مختلف از جمله اسفند سال گذشته، چند روز مانده به پایان سال ۱۴۰۳ از طرف عارف معاون اول پزشکیان و وزارت نیرو به کشاورزان قول داده شد از تاریخ هشت فروردین سال ۱۴۰۴ آب زاینده روز باز می شود و کشاورزان می توانند زمین های زیر کشت و باغهای خود را آبیاری کنند. مطابق این قول و قرار می بایستی روز ۸ فروردین ساعت ۱۲ و یک دقیقه، آب در زاینده رود جاری شود. اما از آنجا که این وعده پوچ از کار درآمد، کشاورزان اصفهان نیز تجمعات و تظاهرات خویش را از سر گرفته و روز نهم فروردین در ابعاد گسترده تری وارد خیابان شدند. کشاورزان خشمگین از ریاکاری مقامات دولتی که دروغ تحویلشان داده بودند، دور دیگری از تجمعات اعتراضی خود را آغاز کردند و در جریان همین اعتراضات لوله انتقال آب زاینده روز به یزد را شکستند. این اقدام، سرکوب شدید و خشونت بار کشاورزان را در پی داشت. دستگاه سرکوب پلیسی با شلیک گاز اشک آور و استفاده از باتوم و ضرب و شتم، به سراغ کشاورزان رفت ده ها تن را مصدوم و بازداشت کرد و شماری را نیز روانه بیمارستان ساخت.

اقدام وحشیانه سرکوبگران، نه تنها خشم و اعتراض کشاورزان را فرو نماند، بلکه این اعتراضات در روزهای بعد نیز ادامه یافت و گسترده تر هم شد. کشاورزان در اصفهان و برخی دیگر از شهرها و روستاهای این استان چون "برسیان"، "خوراسگان"، "زیار"، "شاهتور"، "فلاورجان" و برخی شهرها و روستاهای دیگر در شرق و غرب اصفهان تجمعات و تظاهرات خیابانی بزرگی برپا کردند. در این تظاهرات خصوصاً تظاهرات خوراسگان، زنان و اعضای خانواده کشاورزان

در صفحه ۲

"فقط می خواستم به مردم کمک کنم و جانها را نجات دهم" قمار کثیف دولت فاشیستی اسرائیل و حماس با جان مردم

را از دست می دهند و یا معلول می شوند. کودکان، زنان و مردانی که مرگشان، باعث نمی شود سیاستمداران حاکم بر دولت های جهان حتا خم به ابرو بیاورند. دردها و رنج های ملتی با تاریخ مبارزاتی طولانی که هرگز از این جنایات وحشیانه در قرن بیست و یکم التیام نخواهند یافت، اما برای این سیاستمداران آنها فقط یک عدد هستند، آنها تنها شاید برای چانه زنی. از

در صفحه ۳

با آغاز حملات وحشیانه دولت فاشیستی اسرائیل به غزه از ۲۸ اسفند (۱۸ مارس) و پایان عملی آتشبسی که حدود دو ماه دوام یافت، تاکنون حدود ۱۳۰۰ فلسطینی جان خود را از دست داده اند. به گفته ی یونسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد) تنها در دو هفته حداقل ۳۲۲ کودک کشته و ۶۰۹ کودک دیگر مجروح و معلول شدند. به گفته ی این سازمان روزانه ۱۰۰ کودک در نوار غزه با حملات اسرائیل جان خود

اعلان جنگ خامنه ای به توده های مردم ایران

در حالی که تهدیدهای نظامی و احتمال بمباران تأسیسات اتمی و سایت های پدافند هوایی جمهوری اسلامی توسط دولت آمریکا به شدت بالا گرفته است، خامنه ای در واکنش به شرایط موجود و تنگناهای عدیده ای که در جنبه آن گرفتار است، بار دیگر علیه مردم و مبارزات آنان رجز خوانی کرد و با بیانی صریح توده های معترض و ناراضی را به سرکوب و کشتار تهدید کرد.

رهبر جنایتکار جمهوری اسلامی، روز یکشنبه دهم فروردین ماه جاری که برای برگزاری نماز عید فطر در مصلاهی تهران حضور یافته بود، با عدم اطمینان از انجام حمله نظامی ترامپ به تأسیسات هسته ای جمهوری اسلامی گفت: «تهدید می کنند شرارت خواهند کرد. اما اینکه شرارتی انجام بگیرد، ما

در صفحه ۸

۳ دلار، دستمزد روزانه کارگر

تورم چهارنعل به پیش می تازد، درحالی که تشکلهای و فعالان کارگری خواستار افزایش حداقل دستمزد به بالای خط فقر معادل ۴۰ میلیون تومان شدند، سرمایه داران به روال گذشته تصمیم گرفتند و خامت شرایط زندگی کارگران را از آنچه هم که تاکنون بوده است، وخیمتر کنند. آنها شیدانه و فریبکارانه برای

در صفحه ۴

به روال هر سال، در آخرین روزهای سال ۱۴۰۳ سرمایه داران حاکم بر ایران و دولت پاسدار منافع آنها با مشارکت پادوان سرمایه در تشکلهای دولت ساخته، تصمیم گرفتند تحت عنوان جعلی افزایش دستمزد باز هم بر ابعاد فقر و سیاه روزی کارگران بیفزایند. درحالی که در طول چند سال اخیر سطح معیشت کارگران به شدت تنزل کرده، قیمت کالاها ساعت به ساعت افزایش می یابد و

سیستمی از هم پاشیده و تکرار مرگ در جاده ها!

تعطیلات نوروزی، همواره با شمار بالای تصادفات در جاده ها و مرگ ناشی از آن همراه است، امسال نیز در بازه زمانی سه هفته ای، ۲۵ اسفند تا ۱۴ فروردین، حدود ۹۷ هزار و ۱۴۴ فقره تصادف ثبت شده که تاکنون آمار کشته شدگان آن بالغ بر ۸۸۰ تن می باشد. تیمور حسینی رئیس پلیس راهور با اعلام این آمار افزوده است که بیشترین تعداد کشته شدگان به ترتیب در استان های کرمان، فارس، خراسان و خوزستان گزارش شده اند. استان هایی که عمدتاً از مقاصد اصلی مسافران نوروزی اند.

دو عامل مهم در بروز تصادفات جاده ای که سالانه هزاران تن را به کام مرگ می کشاند، استاندارد نبودن جاده ها و کیفیت خودروهای تولید داخلی است. صدیف بدری، عضو کمیسیون عمران مجلس در برخورد به اخبار و آمار مربوط به تلفات حوادث جاده ای در نوروز امسال، کیفیت (نازل) خودروهای

در صفحه ۵

بحران آب و یک راه حل قطعی



وحشتناک طبیعت از کوه و رودخانه و جنگل و تالاب و دریاچه و غیره را در پی داشته است. قطب نمای چنین سیاست و برنامه ای، نه منافع مردم، نه منافع کشاورزان اصفهان و مردم یزد بلکه در اساس غارت و استثمار و سود آوری و تأمین منافع طبقه سرمایه‌دار بوده است.

نیازی به توضیح نیست که هنگام تأسیس یا توسعه صنایع آب بر از نمونه فولاد، قبل از هر چیز باید شرایط اکولوژی محل در نظر گرفت شود. روشن است در مکانی که آب کافی و لازم وجود نداشته باشد، چنین صنایعی دایر نمی‌شود. در جمهوری اسلامی اما اول بنایه همان انگیزه تأمین منافع سرمایه‌داران، چنین صنعتی در یزد تأسیس می‌شود تازه بعد متوجه می‌شوند آبی در محل وجود ندارد. آنگاه آب را از جای دیگری که آنجا نیز بدان نیاز هست و زندگی صدها هزار نفر بدان وابسته است، تأمین می‌کنند. این می‌شود همان چیزی که ما در یزد و اصفهان شاهدش هستیم.

جنبه بحران زایی و تنش زایی این سیاست از همان آغاز روشن بود و طی سه دهه، این بحران و تنش عمیق تر شده است. کشاورزی اصفهان رو به خامت گرایید. در تمام طول سی سال گذشته (از سال ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۴) هیچ راه حل اصولی ارائه نشد. سیاست های دولت عواقب بسیار وخیمی برای مردم استان اصفهان خصوصاً کشاورزان در پی داشته و زندگی صدها هزار تن از مردم این استان را که کار و فعالیت و وسیله ارتزاقشان کشاورزی است در معرض نابودی قرار داده است.

مطابق اظهارات خبر نگار همشهری، بخش عمده زمین‌های پیرامون شهر ورزنه، بدون زراعت رها شده اند. مردم این منطقه، نه بزری به صحرا برده و نه گندمی به خانه برده‌اند. اغلب درختان خشک شده‌اند. در بالادست شهر ورزنه روستاهای زیادی به صورت کامل کویری شده و از آنها جز خانه های تو سری خورده و زمین های خشک و بایر و بی علف چیزی نمانده است. حتی یک درخت در این روستاها به چشم نمی‌خورد. تا ۱۵ سال پیش در این روستاها، چغندر قند، پنبه و یونجه کشت می‌شد. کمی بعد تر به کشت گندم و جو محدود شد و در حال حاضر به زمین های بایر تبدیل شده اند. دشت "رودشت" واقع در شرق اصفهان کمتر از دو دهه پیش یکپارچه سبز و خرم بود، در آن پیاز و ذرت و حتی برنج کشت می‌شد که بعدتر به گندم و جو محدود شد. "زیرار"،

"جرقویه"، "آزیه"، "هرند"، "بران" و "خوراسگان" در شرق اصفهان نیز کم و بیش وضعیت مشابهی دارند.

نمی‌توان این واقعیت را انکار نمود که در ۵ سال اخیر میزان بارش کاهش داشته است. ناختر آبی در سدهای اطراف تهران که تأمین کننده آب این

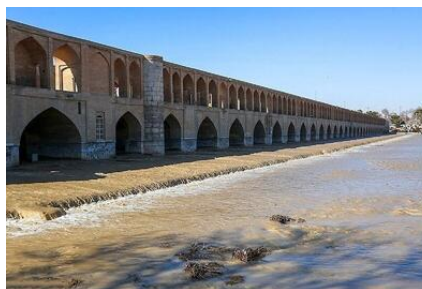
در صفحه ۷

زرع استان اصفهان را تهدید می‌کند، به یک معضل جدی تبدیل شده است. سالهاست که کشاورزان اصفهان در اعتراض به سیاست دولت در این زمینه معترض‌اند و اعتراض و ناراضیاتی خود را مکرر در تجمعات و تظاهرات گسترده نشان داده اند. کشاورزان اصفهان در طول یک دهه و نیم اخیر در اشکال گوناگونی به ویژه در شکل برپایی اجتماعات و تظاهرات خیابانی، خواهان تغییر سیاست دولت در زمینه انتقال آب زاینده رود بوده و گاه حرکت های اعتراضی بسیار وسیعی را نیز سازمان داده‌اند. سال ۹۱ تراکترهای خود را در صفی طولانی به خیابان آوردند. سال ۹۶ با حضور در نماز جمعه و سردادن شعار "پشت به دشمن، رو به میهن" تجمع پر سروصدایی را راه انداختند که صدای آن در تمام کشور پیچید.

اما رژیم جمهوری اسلامی که در همه‌ی بخش‌ها از برق و گاز گرفته تا دارو و بهداشت و غیره با بحران روبروست و سیاستهای آن عواقب وحشتناکی برای کشاورزی و محیط زیست داشته است، حتی یک گام عملی برای حل مشکلات کشاورزان، حل بحران آب و یا حتی تخفیف این بحران برنداشته است. حتی اقدامات رادیکالی از نمونه آنچه در روز ۹ فروردین و شکستن لوله انتقال آب رخ داد یا آنچه شرکت آب منطقه ای یزد اعلام کرد مبنی بر اینکه تعرض به ایستگاه‌های پمپاژ ۳ و ۴ خطوط لوله و به آتش کشیدن این ایستگاه‌ها نیز در طول ۳۰ سالی که از سیاست دولت مبنی بر انتقال آب زاینده رود به استان یزد می‌گذرد مخصوص در ۱۵ سال اخیر بی سابقه نیست. مطابق ادعای برخی مقامات دولتی استان یزد، از نمونه مهدی حسن پور دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان یزد، "از سال ۹۱ تا کنون، خطوط لوله انتقال آب به یزد، بیش از ۲۰ بار تخریب شده است". اما رژیم حاکم برای حل مشکل کشاورزان حتی یک گام عملی برنداشته و خواست آن‌ها را با سرکوب، البته گاه با چاشنی وعده های پوشالی پاسخ داده است.

به رغم تمام این اعتراضات و تبعات تصمیمات دولتی اما سیاست دولت در تمام این سالها اساساً سیاستی مشکل آفرین، تشنج‌زای، غیر علمی و تنها مبتنی بر تأمین منافع یک سری از سرمایه‌داران و ثروتمندان بوده است. انتقال آب زاینده رود گرچه در پوشش تأمین آب شرب استان یزد، اما در اساس در خدمت سرمایه داران بخش صنعت و برای تأمین آب مورد نیاز صنایع آب بر از نمونه فولاد، معدن، پتروشیمی، کاشی سازی و امثال آن بوده است. سیاستهای دولت در این زمینه که وزارت نیرو وظیفه پیشبرد آن را بر عهده داشته و هزینه های زیادی را بر دوش دولت (بخوان توده مردم) گذاشته، عملاً نابودی کشاورزی را در استان اصفهان رقم زده و در همان حال عواقب بسیار مخرب و دهشتناک زیست محیطی از نمونه فرو نشست زمین را به ویژه در استان اصفهان در پی داشته است. استفاده بی‌رویه از آب و منابع طبیعی، عدم توجه و عدم رعایت ضروریات زیست محیطی، تخریب

نیز حضور نسبتاً پر رنگی داشتند. علاوه بر شعار مرگ بر عارف، مرگ بر خاتمی و مرگ بر پزشکینان، شعارهای دیگری نیز مانند "به اصفهان نفس بده، زاینده‌رود رو پس بده"، "حق آبه را می‌گیریم حتی اگر بمیریم"، "کشاورز می‌میرد، صدقه نمی‌پذیرد"، "آب زاینده رود حق مسلم ماست" و شعارهای دیگری نظیر آن نیز سردادند. در تظاهرات گسترده روز پنج‌شنبه اصفهان اعلام شد روز شنبه بزرگ‌ترین تجمع و تظاهرات از محل پل خواجه به سمت استانداری برگزار خواهد شد. این تجمع و تظاهرات نیز علی‌رغم موانع گوناگون، فشارها و تهدیدات



گسترده دستگاه امنیتی، با شرکت هزاران نفر با شعار "زاینده رود دائم، حق مسلم ماست" برگزار شد.

بحران آب و موضوع انتقال آب زاینده رود به استان یزد و همراه با آن اعتراض کشاورزان اصفهان موضوع جدیدی نیست. پروژه انتقال آب زاینده رود در دهه ۶۰ مطرح شد و انتقال آب عملاً از سال ۷۴ در دوره خاتمی آغاز شد. آب زاینده رود که کشت و کار کشاورزان اصفهان نیز بدان وابسته است، در آغاز ۷۸ میلیون و بعد تر ۹۸ میلیون متر مکعب، از طریق احداث لوله (حدود ۳۳۰ کیلومتر) به یزد منتقل می‌شود. رئیس اتاق اصناف کشاورزی شهرستان هرنند، این رقم را ۹۰ میلیون مترمکعب در سال ذکر کرد. گرچه رقم نهایی و دقیق آن خیلی روشن نیست و اعلام نمی‌شود، اما از همان لحظه اول اجرای این پروژه، ادعا می‌شد، هدف، تأمین آب شرب یزد است. تابانک ادعا کرد بیش از ۹۰ درصد این حجم آب برای تأمین آب شرب و مابقی صرف صنایع می‌شود. اما این دعاوی با واقعیت‌ها چندان تطابق ندارند. شواهد حاکی از آن است که بخش زیادی از این آب انتقالی، در صنایع فولاد، معدن، کاشی سازی و دیگر صنایع آب‌بر مصرف می‌شود. هرچه هست اما این سیاست از همان آغاز مورد اعتراض کشاورزان اصفهان بوده است.

کشاورزان اصفهان در تجمعات اعتراضی اخیر خود نیز اعلام کردند هیچ مشکلی با آب شرب استان یزد ندارند و تأکید کردند اعتراضشان در مورد آبی است که صرف صنایع این استان می‌شود و آن را هرگز نمی‌پذیرند. این کشاورزان اعلام کرده اند تا زمانی که حق آبه شان به‌طور دائمی باز نگردد به تجمع و اعتراض ادامه خواهند داد. سالهاست که بحران آب و خطری که کشت و

"فقط می‌خواستیم به مردم کمک کنیم و جان‌ها را نجات دهیم" قمار کثیف دولت فاشیستی اسرائیل و حماس با جان مردم

دولت فاشیستی اسرائیل تا دولت‌های اروپایی و آمریکا، دولت‌های عربی و بالاخره جمهوری اسلامی، حماس و دیگرانی که از همین قماش هستند. مردم بزرگ، قهرمان و ستم‌دیده‌ای که هر چند فریادشان بلند است، اما به گوش دولت‌های سرمایه‌داری حاکم بر این جهان غرق در خون و جنگ نمی‌رسد. یکی از جنایات بی‌شمارانه اخیر ارتش فاشیستی اسرائیل قتل عمد و آگاهانه‌ی ۱۵ امدادگر هلال احمر شامل ۸ پزشک، ۶ امدادگر دفاع مدنی و یک کارمند سازمان ملل است که هفت روز پس از قتل آن‌ها توسط ارتش اسرائیل، اجسادشان از زیر خاک بیرون آورده شد. سربازان ارتش اسرائیل برای پنهان کردن جنایت فجیع خود اجساد آنها را دفن کرده و تنها فرد زنده مانده را نیز با خود برده بودند که بعد از ۱۵ ساعت بازجویی آزاد شد. ارتش اسرائیل به مانند همیشه ابتدا مدعی شد که افراد حماس را کشته است، اما با شهادت تنها فرد زنده مانده و ویدئوی به جامانده از تلفن همراه یکی از جان‌باختگان که لحظات آخر زندگی آن‌ها و حمله سربازان اسرائیل به آمبولانس‌ها و ماشین آتش‌نشانی را نشان می‌دهد، همه‌ی دروغ‌های ارتش و وزیر دفاع اسرائیل برملا گردید. دولت اسرائیل در نهایت برای خواباندن اعتراضات و سرپوش گذاشتن بر این جنایت، وعده رسیدگی داد. وعده‌ای به مانند تمام وعده‌های پوچ و دروغین قبلی که هرگز رسیدگی نشدند، و جنایتکاران نیز بدون آن‌که مجازات شوند با خیالی آسوده به جنایات خود ادامه دادند. این جنایت، این قتل عمد و آگاهانه امدادگران، خشم فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب‌سرخ و هلال احمر را برانگیخت که اعلام کرد هرگز چنین جنایتی با این ابعاد برای امدادگران این فدراسیون به‌وقوع نپیوسته بود. در ویدئوی به جا مانده از تلفن همراه، یکی از امدادگران در آخرین لحظات زندگی خود با طلب بخشش از مادرش می‌گوید: "فقط می‌خواستیم به مردم کمک کنیم. فقط می‌خواستیم جان‌ها را نجات بدهیم". *ارتش فاشیستی اسرائیل اما وظیفه‌اش گرفتن جان‌هاست.*

اهداف دولت اسرائیل از حمله دوباره به غزه

در حالی که با نزدیک شدن به پایان مرحله‌ی اول آتش‌بس، می‌بایست طرف‌های درگیر بر سر چگونگی مرحله‌ی دوم آتش‌بس به توافق می‌رسیدند، دولت اسرائیل به بهانه‌های گوناگون از بازگشت به میز مذاکره امتناع کرد و بدین‌ترتیب مرحله اول آتش‌بس در ۱۲

اسفند بسر آمد. در ادامه دولت آمریکا خواستار تمدید مرحله اول آتش‌بس تا پایان ماه رمضان و عید پسخ یهودیان (عید فطیر) ۳۰ فروردین و آزادی تعدادی دیگر از گروگان‌ها در این مدت گردید. کابینه اسرائیل در پی ارائه پیشنهاد دولت آمریکا، از این پیشنهاد حمایت کرد و در عین حال خواستار این شد که نیمی از گروگان‌ها (زنده و یا جان‌باخته) با تمدید مرحله اول آتش‌بس به دولت اسرائیل تحویل داده شوند. حماس اما بار در این پیشنهاد خواستار اجرای مرحله دوم قرارداد آتش‌بس شد.

دولت اسرائیل پیشنهاد دولت آمریکا و رد پیشنهاد از سوی حماس را غنیمت شمرد و اعلام کرد در صورت عدم پذیرش حماس، حمله به غزه از سر گرفته خواهد شد. دولت اسرائیل ابتدا چند روز مانع ورود اقلام ضروری به غزه گردید و سپس از ۲۸ اسفند حملات خود را آغاز کرد و این‌گونه بار دیگر غزه بر جنازه فرزندان خود، جنازه کودکانی که دیگر گریه نمی‌کردند، به سوگ نشست.

حماس چه بخواهد و چه نخواهد امروز به ابزاری برای پیشبرد سیاست دولت فاشیستی اسرائیل تبدیل شده و استفاده از گروگان‌ها و یا اجساد آن‌ها برای چانه‌زنی، ثمری برای مردم فلسطین و آرمان‌های آن‌ها، جز جنگ و کشتار ندارد. سیاست دولت اسرائیل آشکار است. دولت یهود و فاشیستی اسرائیل بدنبال اسرائیل بزرگ است، مخالف ایجاد کشور مستقل فلسطین است و در تاکتیک‌هایی که اتخاذ می‌کند این هدف را در نظر دارد. آغاز دوباره حمله به غزه و سخنان اخیر نتانیاهو و وزیر جنگ وی به روشنی این اهداف را آشکار می‌سازند.

وزیر جنگ اسرائیل روز چهارشنبه ۱۳ فروردین با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که یکی از اهداف عملیات ارتش اسرائیل در غزه "تصرف مناطق وسیعی است که به منطقه‌های امنیتی اسرائیل افزوده خواهند شد". پیش از او، نتانیاهو از قصد دولت اسرائیل برای ایجاد یک کریدور امنیتی جدید در سراسر نوار غزه و کنترل امنیتی نامحدود این منطقه خبر داده بود. وی در سخنان خود از محور "موراگ" (منطقه تل‌السلطان) به عنوان "محور فیلادلفیای دوم" که می‌یابد تحت کنترل ارتش اسرائیل باشد نام برد.

حتا پیش از حملات اخیر به غزه، دولت اسرائیل ۶۲ کیلومتر مربع (حدود ۱۷ درصد) از کل مساحت غزه را به عنوان منطقه حائل تحت کنترل خود درآورده بود و حال که خود را در موقعیت برتر می‌بیند

خواستار گام‌هایی به جلو برای پیشبرد اهداف خود است.

در پی آغاز حملات مجدد ارتش اسرائیل به غزه، دولت مصر پیشنهاد جدیدی مطرح کرد که حماس در شرایط ضعف فعلی به فوریت آن را قبول کرد. در این طرح مقرر شده بود که در ازای آتش‌بس پنجاه روزه، ۵ گروگان اسرائیلی آزاد شوند. دولت اسرائیل اما پیشنهاد جدیدی مطرح کرد و خواستار آزادی ۱۰ گروگان زنده و اجساد گروگان‌های کشته شده گردید. در واقع پیشنهاد اخیر دولت مصر بسیار شبیه پیشنهاد نماینده دولت آمریکا است که حماس پیشتر آن را رد کرده بود. اما این‌بار به رغم پذیرش حماس، دولت اسرائیل خواستار امتیازاتی بیشتر گردید.

دولت اسرائیل همچنین برای توافق کامل آتش‌بس خواستار خلع‌سلاح حماس شده و در عین حال گفته است که با پذیرفتن خلع‌سلاح، رهبران حماس می‌توانند از غزه خارج شوند. حماس اگرچه با عقب‌نشینی از مواضع گذشته خود، اعلام کرده بود که حاضر به دست کشیدن از اداره غزه می‌باشد، اما خلع‌سلاح را خط قرمز خود اعلام کرد. بدیهی‌ست که در شرایط کنونی و وضعیتی که دو طرف درگیر یعنی دولت اسرائیل و حماس قرار دارند، در صورت عدم پذیرش خلع‌سلاح از سوی حماس، آتش‌بس کامل نیز در کار نخواهد بود.

سیاست دولت اسرائیل کنترل دوباره غزه و گسترش مناطق تحت اشغال خود در غزه و کرانه باختری است به نحوی که اساساً موضوع دولت مستقل فلسطینی امکان‌ناپذیر گردد. دولت اسرائیل حتا اگر بتواند می‌خواهد مردم فلسطین را مجبور به کوچ اجباری کند و ادامه حملات نظامی، کشتار عمدی غیرنظامیان و خسته کردن و تحت‌فشار قرار دادن فلسطینیان غزه (و کرانه باختری) با همین هدف است. از یاد نبریم که حماس با اقدامات فاجعه بار خود که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز گردید، این امکان را به دولت فاشیستی و راست افراطی اسرائیل داد.

دولت اسرائیل خود را آن‌چنان در موقعیت برتر می‌بیند که "آژانس ویژه‌ای" برای خروج "داوطلبانه" فلسطینی‌ها از غزه تاسیس کرده و نتانیاهو از این "آژانس" خواست تا بررسی کند که کدام کشور در آفریقا حاضر به پذیرش فلسطینی‌هاست.

تظاهرات فلسطینیان در غزه، چه باید کرد؟

در روزهای گذشته، رسانه‌های خارجی اخبار تظاهرات اعتراضی مردم غزه را در سطحی وسیع پوشش دادند و حتا دولت فاشیستی اسرائیل از مردم غزه خواست تا

۳ دلار، دستمزد روزانه کارگر

سرپوش گذاردن بر سیاست‌های ضد کارگری کاهش واقعی دستمزد کارگران، ادعای افزایش دستمزد را نمودند و اعلام کردند که حداقل دستمزد کارگران برای سال آینده بر مبنای ۳۰ روز کار، از هفت میلیون و ۱۰۰ هزار تومان به ۱۰ میلیون و ۳۹۹ هزار تومان افزایش خواهد یافت. یعنی رقمی در حدود ۳ میلیون تومان. این ظاهراً افزایش ۳ میلیونی دستمزد چیزی جز فریب و نیرنگ نیست. برخلاف این ادعا نه فقط در سال جدید حتی ذره‌ای در بهبود دستمزد واقعی و فقر و فلاکتی که کارگران با آن مواجهند، رخ نخواهد داد، بلکه برعکس، در پشت این ظاهراً افزایش، کاهش دستمزد نه فقط کارگران حداقل بگیر، بلکه سایر سطوح مزدی در سال جاری است. سرمایه‌داران ادعا می‌کنند که دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۴ افزایش یافته است. وقتی که چنین ادعایی مطرح می‌شود آن هم با ادعای فریبکارانه ۴۵ درصد، ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که در سال جدید بهبودی در قدرت خرید و سطح معیشت و رفاه کارگران رخ خواهد داد. در واقعیت اما نهنها هیچ بهبودی در وضعیت کارگران رخ نخواهد داد، بلکه برعکس به روال سال‌های گذشته امسال هم وضع کارگران بدتر و فقر و بدبختی آن‌ها افزایش خواهد یافت. کافی است که هر کس نظری به افزایش قیمت کالاها و خدمات در فاصله چند هفته‌ای که دستمزد سال جدید تعیین شده، بیندازد تا عمق فریبکاری سرمایه‌داران و دولت آن‌ها به‌وضوح آشکار شود. تنها در طول ۳ هفته بهای دلار ۱۰ درصد و توأم با آن بهای بسیاری از کالاها و خدمات مورد نیاز روزمره کارگران شدیداً افزایش یافته و چنانچه وضع اقتصادی و نرخ تورم خرابتر از آنچه که اکنون هست، نشود، در همین ماه‌های نخست سال جاری افزایش ادعایی حداقل دستمزد در نتیجه تورم نیست و نابود خواهد شد و آنچه بر جای می‌ماند باز هم کاهش دستمزد کارگران خواهد بود. به عبارت دیگر نهنها در سال جاری دستمزد افزایش نداشته بلکه حداقل دستمزد به‌حساب قدرت خرید کارگران تا پایان سال دست‌کم یک‌سوم ارزش خود را در مقایسه با سال گذشته نیز از دست خواهد داد. این وضعیتی است که کارگران هم‌ساله با آن مواجه بوده‌اند. سرمایه‌داران و دولت آن‌ها هر سال ادعا کرده‌اند که دستمزد کارگران افزایش یافته، اما برخلاف این ادعا، آمار سالانه دستمزدها نه افزایش بلکه کاهش را نشان داده است. اگر به سطح دستمزدها در یک دهه اخیر نظر افکنیم، ارزش دلاری حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۰ در هر ماه بیش از ۲۰۰ دلار بود، اکنون این رقم به کمتر از ۱۰۰ دلار کاهش یافته و روند نزولی همچنان ادامه خواهد یافت. یعنی در طول بیش از یک دهه قدرت خرید و سطح معیشت کارگران ۵۰ درصد تنزل یافته است. سابق بر این، سطح نازل دستمزد کارگران ایران با کشورهای دیگر خاورمیانه مقایسه می‌شد، اکنون دیگر این فاصله آنقدر افزایش یافته که قابل قیاس با هیچیک از کشورهای منطقه نیست. چگونه می‌توان دستمزد ۱۰۰ دلاری ماهانه کارگران ایران را با

کشورهای دیگر منطقه مقایسه کرد در حالی که این مبلغ در عربستان سعودی ۱۰۶۵ دلار، عمان ۸۴۴ دلار، بحرین ۷۹۶، قطر ۴۹۵، امارات ۴۰۸، کویت ۳۲۷، ترکیه ۴۹۲، عراق ۳۹۲ دلار است. چیزی نمانده است که سطح دستمزد کارگران ایران به سطح فقیرترین مردم گرسنه جهان در صحرای جنوب آفریقا برسد که با معیارهای بانک جهانی ۵ / ۲ دلار در روز است. حداقل دستمزد کارگران ایران هم‌اکنون رقمی حدود ۳ دلار در روز است. با این حداقل دستمزد ناچیز که اگر با تمام افزوده جنبی آن با ۳۰ روز کار به رقمی ۱۲ تا ۱۵ میلیون با دو فرزند هم افزایش یابد، یک کارگر چگونه می‌تواند زندگی کند، در حالی که لااقل ۶۰ درصد آن هزینه اجاره خانه است. چه چیزی برای کارگر باقی می‌ماند تا غذا و پوشاک خانواده خود را تأمین کند. به چند نمونه از قیمت مواد غذایی در اسفندماه به نقل از روزنامه‌های رسمی نگاه کنیم تا اوج فاجعه‌ای که کارگران با این دستمزدهای ناچیز با آن مواجه‌اند، آشکارتر گردد.

شقه، سردست و راسته گوسفند هر کیلو ۷۶۰ هزار تومان، ران گوسفند ۹۸۰ هزار، گوشت گوساله ۵۹۰ هزار، گوشت چرخ‌کرده مخلوط ۴۸۵ هزار، ران مرغ بدون کمر ۸۵ هزار، گوشت چرخ‌کرده مرغ ۱۷۰ هزار، تخم‌مرغ (شانه ۳۰ عددی) ۱۵۰ هزار، پنیر سفید ۴۰۰ گرمی ۵۶ هزار، ماست ۹۰۰ گرمی ۴۱ هزار، کره ۱۰۰ گرمی ۶۰ هزار، خامه ۲۰۰ گرمی ۵۵ هزار، شیر بطری پرچرب ۳۴ هزار، ماکارونی ۷۰۰ گرمی قطر ۳۳ هزار، قند ۷۰۰ گرمی ۴۵ هزار، شکر ۴۹ هزار، روغن آفتابگردان ۱ / ۵ لیتری (پخت‌ویز) ۱۰۰ هزار، رب گوجه‌فرنگی ۶۷ هزار، برنج هاشمی ۱۸۵ هزار، برنج طارم ۱۷۵، لوبیا قرمز بسته‌بندی فروشگاه‌های (۹۰۰ گرم) ۲۲۱ هزار، لوبیاجیتی بسته‌بندی فروشگاه‌های (۹۰۰ گرم) ۲۷۹ هزار، عدس بسته‌بندی فروشگاه‌های (۹۰۰ گرم) ۲۱۹ هزار، لپه بسته‌بندی فروشگاه‌های (۹۰۰ گرم) ۲۲۷ هزار، نخود بسته‌بندی فروشگاه‌های (۹۰۰ گرم) ۲۲۷ هزار، چای ایرانی ۴۵۰ گرم ۱۸۹ هزار، چای خارجی ۵۰۰ گرم ۴۶۹ هزار تومان.

روشن است که با این قیمت‌های سر به فلک کشیده اجناس مورد نیاز روزمره، نه فقط کارگران حداقل بگیر و بازنشستگان بلکه متجاوز از ۹۰ درصد کارگران سایر سطوح نیز قادر نیستند یک زندگی حداقلی داشته باشند. اگر هیچ نسبتی میان دستمزدی که کارگران دریافت می‌کنند با بهای کالاها و مورد نیاز و نرخ تورم افسارگسیخته وجود ندارد، این سؤال اغلب مطرح می‌شود که با این افزایش قیمت‌ها و دستمزدهای ناچیز، کارگران چگونه زندگی خود را می‌گذرانند؟ باید گفت بدبختانه کارگران به باری که سرمایه‌داران بر دوش آن‌ها تحمیل کرده تن داده و این بار را بر دوش خود و خانواده‌شان قرار داده‌اند. زن و مرد خانواده کارگری برای این‌که بتوانند هزینه زندگی فلاکت‌بار خود را تأمین کنند، ناگزیر شده‌اند با دستمزدهای ناچیز که گاه به حداقل‌های

تعیین شده دولتی هم نمی‌رسد، کار کنند یا کار دومی علاوه بر کار روزانه ۸ ساعت پیدا کنند، یا چندین ساعت اضافه‌کاری در همان کارخانه داشته باشند. اما این هم جوابگو نیست. فرزندان آن‌ها نیز مدرسه را رها می‌کنند و به‌عنوان کودک کار کمک‌خرج خانواده می‌شوند. بر طبق آخرین آمار رسمی، بازماندگان سالانه از تحصیل که عموماً فرزندان کارگران و زحمتکش‌اند، رقمی حدود یک‌میلیون اعلام شده است. به گزارش اقتصاد نیوز: بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ در مقاطع تحصیلی مختلف ۹۲۹ هزار و ۷۹۸ نفر از تحصیل بازماندند. سال گذشته، ۱۵ تا ۱۷ ساله‌ها بیشترین تعداد بازماندگی از تحصیل را داشتند. این است شرایطی که کارگران در آن زندگی می‌کنند.

این وضع، تباهنده جسم و جان خانواده‌های کارگری ایران است. کارگران نباید این شرایط وحشتناک و تحقیرکننده را تحمل کنند. تجربه به‌وضوح نشان داده است که مبارزات جدی‌گانه و منفرد کارگران کارخانه‌ها و مؤسسات خدماتی حتی برای افزایش دستمزد، دست آوردی که لااقل از طریق آن وضع معیشت کارگران اندکی بهبود یابد، در پی نداشته است. دولت استبدادی پاسدار نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران، دست سرمایه‌داران را برای تشدید استثمار کارگران تا حد مرگ و سرکوب مطالبات برحق آن‌ها باز گذاشته است. برای نجات از این فاجعه هیچ معجزه‌ای رخ نخواهد داد. هیچ‌کس جز خود کارگران و مبارزه آن‌ها، نجات‌بخش آن‌ها نیست. مادام که کارگران ایران به مبارزه‌ای متشکل و سراسری با طبقه سرمایه‌دار و دولت استبدادی پاسدار نظم سرمایه‌داری روی نیاورند، جز وخامت روزافزون شرایط مادی و معیشتی، سرنوشتی ندارند و سال‌به‌سال بیش از پیش به فقر و بدبختی سوق داده می‌شوند. چاره کار، مقابله متشکل کارگران با سرمایه‌داران و دولت است. تا وقتی که چنین مقابله‌ای رخ ندهد، نهنها هیچ چشم‌اندازی برای بهبود شرایط حتی معیشتی کارگران وجود ندارد، بلکه همان‌گونه که تاکنون دیده‌ایم و تجربه آشکارا نشان داده است، سال‌به‌سال وضع وخیم‌تر و شرایط زندگی کارگران اسفبار تر خواهد شد. تنها یک مبارزه متشکل سراسری می‌تواند کارگران را از فقر و فلاکت و وضعیت اسفبار کنونی که استبداد سرمایه به کارگران تحمیل کرده، نجات دهد.



سیستمی از هم پاشیده و تکرار مرگ در جاده‌ها!

حوادث علت اصلی مرگ و میر در میان افراد ۵ تا ۲۹ ساله ذکر شده است. در همین منبع، توزیع منطقه ای مرگ و میر ناشی از تصادفات به شرح زیر ذکر شده است: ۲۸ درصد در آسیای جنوب شرقی، ۲۵ درصد در منطقه اقیانوس آرام غربی، ۱۹ درصد در منطقه آفریقا، ۱۲ درصد در قاره آمریکا، ۱۱ درصد در منطقه مدیترانه شرقی و ۵ درصد در اروپا.

میزان میانگین مرگ و میر حوادث رانندگی در اروپا نسبت به جمعیت آن، ۴۶ نفر در هر یک میلیون نفر است. پائین ترین آمار در اروپا مربوط به کشورهای دانمارک و سوئد است. در دانمارک ۲۷ مرگ در هر یک میلیون نفر و در سوئد ۲۲ مرگ در هر یک میلیون جمعیت اعلام شده است. مجموعه عوامل موثر در پائین بودن (نسبی) آمار مرگ و میر در این کشورها، از جمله وجود استانداردهای ایمنی، سیستم کنترل و نظارت کیفیت زیرساختارها، جاده‌ها، ایمنی وسایل نقلیه، وجود وسایل حمل و نقل عمومی شهری و بین شهری و سیستم امدادسانی در جاده‌هاست.

آمار مربوط به ایران تکان دهنده است. در گزارش سال ۲۰۲۰ سازمان بهداشت جهانی، میزان کشته شدگان در حوادث رانندگی در ایران ۱۸ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر ذکر شده است. مقایسه آمار مربوط به ایران با سایر کشورها، بیانگر فاجعه بار بودن وضعیت در ایران و همچنین ناتوانی سیستمی بی‌کفایت، از هم‌پاشیده و غرق در بحران‌های متعدد است که برای جان انسانها پیشیزی ارزش قائل نیست. سیستمی که خود عامل مستقیم تکرار مرگ در جاده‌هاست.

بحران‌های ساختاری در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، بهداشتی و مدیریت جامعه‌اند.

علاوه بر خودروهای شخصی، اتوبوس‌های مسافربری نیز بکرات دچار حوادث رانندگی با عواقب مرگبار می‌شوند. حادثه اتوبوسی که در ایام نوروزی در مسیر کرمان-مشهد رخ داد و به جان باختن ۱۵ نفر انجامید، یکی از این نمونه‌هاست که در آن از هم پاشیدگی و بی‌کفایتی همه جانبه دولت جمهوری اسلامی بخوبی آشکار می‌گردد. اتوبوسی با ۴۳ مسافر از ترمینال خارج می‌شود اما بعد از حادثه مشخص می‌گردد که مجموع تعداد کشته شدگان و مجروحین به ۶۰ نفر می‌رسد. ضمناً برای راه افتادن این اتوبوس، راننده‌ای که پس از شیفت قبلی خود تنها ۲ ساعت فرصت استراحت داشته، مجبور به رانندگی می‌شود. ظرفیت غیر مجاز اتوبوس، شرایط سخت کاری و نبود سیستم کنترل و نظارت ایمنی دست به دست هم می‌دهند و رویدادی خونبار را رقم می‌زنند. عواملی که بیش از هر چیز بیانگر از هم پاشیدگی شیرازه امور است. نه کنترل و نظارتی در کار است و نه کسی پاسخگو است.

بی‌جهت نیست که وضعیت ترافیک و ایمنی خودروها و جاده‌ها، نه تنها در ایران بلکه در سایر کشورهای جهان نیز آئینه تمام‌نمایی است از وضعیت عمومی حاکم. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، در سال ۲۰۲۳ بیش از یک میلیون نفر در جهان در نتیجه تصادفات در جاده‌ها، کشته شده‌اند. این

پرابه و پژو ۴۰۵ را عامل اصلی بروز تصادفات عنوان کرده است. البته این موضوع جدیدی نیست. کیفیت نازل خودروهای داخلی و سهم آنها در تصادفات، پیش‌تر نیز در مجلس عنوان شده بود، اما با گذشت سال‌ها عملاً کسی چاره‌ای برای آن نیاندیشیده است. طبق آمار ارائه شده از سوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، در سال ۱۳۹۷ دو خودروی پراید و پژو مسئول بیش از ۹ هزار مرگ ناشی از تصادفات بوده‌اند. در آمار مربوط به تصادفات سال جدید نیز ۶۲ درصد حوادث جاده‌ای مربوط به خودروهای داخلی بوده است. خودروهایی که به علت ارزان (تر) بودن، عمدتاً وسیله نقلیه اقشار زحمتکش و کم‌درآمد جامعه است. از طرف دیگر بحران‌های ساختاری سیستم و بی‌توجهی و اهمال مسئولین نسبت به جان مردم، عملاً موجب شده که کنترل و نظارتی بر کیفیت این خودروها نباشد و تنها زمانی که آمار تصادفات به اوج می‌رسند، مسئولین به فکر نوشاروی پس از مرگ می‌افتند. به طور مثال، حسین تیموری در واکنش به آمار کشته‌شدگان نوروز ۱۴۰۴ است که ضرورت راه‌اندازی مرکز تست خودروها را طرح می‌کند. او می‌گوید در صورت راه افتادن چنین مرکزی، خودروها پیش از ورود به بازار مورد آزمون ایمنی قرار می‌گیرند! به عبارت دیگر اوضاع چنان بی‌در و پیکراست که خودروی ساخت داخل، بدون تست وارد بازار شده و تازه مسئولین بعد از اطلاع از آمار کشته شدگان حوادث، به فکر تست پیش از فروش خودروها می‌افتند!

فاکتورهای دیگری نیز در بروز حوادث و هلاکت بار(تر) بودن آنها نقش دارند که از جمله می‌توان به کیفیت نازل جاده‌ها، نبود و ضعف امدادسانی در صورت بروز حوادث رانندگی، وجود آسفالت‌های زهوار در رفته، ماشین‌های اسفاطی - که در نبود فقدان نظارت و کنترل دولتی و همچنین فقر مالی صاحبان آنها، هنوز از دور خارج نشده و همچنان در چرخه استفاده قرار دارند - ، کمبود و یا فقدان علائم ترافیکی در جاده‌ها و نبود جداکننده‌های ایمنی در جاده‌ها اشاره کرد. قطعاً خطاهای انسانی و تخلفات بخش دیگری از فاکتورها را تشکیل می‌دهند اما بی‌شک، ارگانها و نهادهای دولتی و مسئول در این میان کلیدی ترین نقش را ایفا می‌کنند. از همینروست که تصادفات جاده‌ای در ایران، به‌ویژه در ایام پرتردد نوروز، دیگر (تنها) نتیجه‌ی «تصادف» و یا صرفاً خطای فردی (سرعت و سبقت غیر مجاز، خستگی هنگام رانندگی و عدم استفاده از کمربند ایمنی) نیستند؛ بلکه نتیجه مستقیم



حکومت شورائی

کار - نان - آزادی

رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک اعتصاب عمومی

سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت.



زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم



اعلان جنگ خامنه ای به توده های مردم ایران

هرگونه اعتراضات خیابانی توده های کار و زحمت، که شکل گیری آن بر بستر تداوم ناتوانی و شکست و تعمیق نابسامانی های رژیم بسیار محتمل است، شمشیر از نیام برکشیده و همانند دفعات گذشته وعده سرکوب و کشتار مردم معترض و به تعبیر خودش سرکوب «فتنه گران» داخلی را داده است.

اینکه خامنه ای جلاد و آدمکش، همانند همه دیکتاتورها، مبارزات میلیونی توده های مردم ایران علیه خود و هیئت حاکمه را «فتنه» می نامد و در عوض نیروهای سرکوب و جانی و آدمکش تحت امر خود و نظام را «ملت ایران» خطاب می کند، امر تازه ای نیست. او و دیگر رهبران مرتجع جمهوری اسلامی همواره از کارگران، زنان، دانشجویان، فرهنگیان، بازنشستگان، پرستاران و دیگر لایه های معترض و زحمتکش ایران به عنوان دشمن یاد کرده اند و پس از این نیز یاد خواهند کرد. حاکمان اسلامی با توجه به روزگار تباه و تیره و تاری که طی ۴۶ سال گذشته برای مردم ایران رقم زده اند، به خوبی می دانند که توده های زحمتکش ایران نیز جمهوری اسلامی را دشمن واقعی و تباه کننده زندگی خود به شمار می آورند. آنان نیز به تجربه دریافته اند که دشمن اصلی مردم ایران خامنه ای و کل نظام حاکم بر ایران است. نظامی مرتجع و ویرانگر که اگر با یک انقلاب اجتماعی توسط کارگران و توده های مردم ایران سرنگون نشود، استمرار و تداوم آن، باز هم مرگ و کشتار و فلاکت بیشتری را برای مردم رقم خواهد زد.

اگرچه خامنه ای در هر فرصتی دشمنی عمیق خود و نظام را با توده های مردم ایران نشان داده است، اما اینبار به دلیل نگرانی از سرنوشت آتی نظام، کینه ورزی او نسبت به مردم بیش از هر زمان دیگری بر زبانش جاری شد. اینبار بیان عداوت و دشمنی خامنه ای با مردم ایران آنچنان صریح و بی پرده بود که او با تحلیل از وضعت موجود، خطر وقوع اعتراضات سراسری، گسترش اعتصابات کارگری، شکل گیری قیام و مبارزات خیابانی مردم ایران را پیش بینی کرده وحتا وقوع آن را از حمله نظامی ترامپ در بمباران سایت های اتمی و نظامی جمهوری اسلامی هم جدی تر و خطرناک تر ارزیابی کرده است. لذا برای مقابله با این خطر، پیشاپیش به روی مردم ایران شمشیر کشیده و آنان را به سرکوب و کشتار تهدید کرده است.

خامنه ای با توجه به عمق ناراضی مردم و فراهم بودن شرایط عینی سرنگونی نظام، به شدت از بروز مجدد اعتراضات توده ای نظیر خیزش دیماه ۹۶، قیام شکوهمند آبان

۹۸ و جنبش سراسری ۱۴۰۱، نگران و هراسناک است. او به خوبی می داند اعتراضات آتی مردم - که وقوع آن قطعی است - اینبار در ابعادی بسیار فراتر از اعتراضات پیشین و چه بسا فراگیرتر از جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» خواهد بود.

پوشیده نیست که بر اساس وضعیت بحرانی حاکم بر جامعه، آنچه اینبار به وقوع خواهد پیوست، برخاستن توفان سهمگینی از اعتراضات توده ای است که بی تردید با ورود طبقه کارگر و در هم آمیزی اعتصابات کارگری با کارزارهای خیابانی توده های مردم ایران، شرایط سخت و دردناکی را برای هیئت حاکمه رقم خواهد زد.

این را نه ما، بلکه اوضاع بحرانی جامعه، ورشکستگی کامل جمهوری اسلامی، تعمیق تضادهای درونی و بیرونی حاکمیت، ناتوانی نظام در برون رفت از وضعیت موجود و مهمتر از همه، عمق ناراضی و خشم آتشفشانی نهفته در جامعه به صد سخن فریاد می کند.

اینکه خامنه ای در اوج تهدیدات نظامی ترامپ علیه سایت های اتمی جمهوری اسلامی، با اعتماد به نفس بیشتری از عدم حمله نظامی آمریکا به اهداف هسته ای رژیم اعلام کرده است: «ما خیلی اطمینان نداریم. احتمال زیاد نمی دهیم از بیرون شرارتی انجام بگیرد»، محتملاً می تواند حاکی از تصمیمات پشت پرده نظام در مسیر انجام مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم برای برآورده کردن مطالبات مورد نظر ترامپ از جمهوری اسلامی باشد، که خامنه ای را به این درجه از اطمینان رسانده که بگوید حملات نظامی و یا به تعبیر او «شرارتی» از خارج متوجه جمهوری اسلامی نخواهد شد.

اما همانگونه که دیدیم و شنیدیم، با بیان این سخنان خامنه ای و پس از اعلام آمادگی جمهوری اسلامی بر مذاکرات غیر مستقیم با آمریکا بود که ترامپ نیز روز ۱۵ فروردین در جمع خبرنگاران با تأکید بر مذاکرات مستقیم گفت: «به نظرم بهتر است مذاکرات مستقیم داشته باشیم. سریعتر انجام می شود و شما طرف مقابل را خیلی بهتر می فهمید که بخواهید از طریق واسطه ها مذاکره کنید... آنها می خواستند از میانجی استفاده کنند، فکر نمی کنم دیگر ضرورتاً این طور باشد». ترامپ سپس در پاسخ به خبرنگاری که از او چگونگی روند مکاتبات میان ایران و آمریکا را پرسش کرده بود، گفت: «نامه ها را کنار بگذارید. ایران نگران است و احساس آسیب پذیری می کند، اما من نمی

خواهم چنین احساسی داشته باشند. آنها دوست دارند مذاکره مستقیم کنند».

به رغم موضوعات مطرح شده، آنچه اکنون میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در جریان است - مذاکرات مستقیم یا غیر مستقیم، توافق بر سر بحران هسته ای و دیگر خواسته های مورد نظر ترامپ یا عدم توافق - همه این مسائل به میزان زیادی مرتبط با تصمیمات شخص خامنه ای و به طریق اولی مرتبط با تصمیمات شورای عالی امنیت ملی کشور است که آن هم تحت نظارت کامل خامنه ای است. جمهوری اسلامی می تواند با تسلیم در مقابل خواست های سه گانه دولت آمریکا - بحران هسته ای، بحران موشکی و نیروهای نیابتی - ترامپ را از حملات نظامی به تأسیسات اتمی و سایت های موشکی خود باز دارد و یا با عدم تمکین به خواست های مورد نظر ترامپ، زمینه را برای اجرای حملات نظامی آمریکا، اسرائیل و یا حملات مشترک ترامپ و نتانیاهو به اهداف اتمی و موشکی جمهوری اسلامی فراهم سازد. موضوعاتی که تا این لحظه به رغم خوش بینی های خامنه ای که گفته است، «احتمال زیاد نمی دهیم از بیرون شرارتی انجام بگیرد»، احتمال عدم توافق و پیامد آن، وقوع بمباران اهداف هسته ای و موشکی جمهوری اسلامی محتمل تر از گزینه های دیگر است.

مجموعه شواهد و موضع گیری های تاکتونی طرفین نزاع نشان می دهد، حتا اگر جمهوری اسلامی وارد مذاکرات مستقیم با آمریکا هم بشود، با درصد بالایی از احتمال، خامنه ای به خواست های سه گانه ترامپ تن در نخواهد داد. لذا اگر طی روزها و هفته های آینده، اتفاق خاص و خارق العاده ای رخ ندهد، گزینه بمباران اهداف هسته ای و سایت های نظامی جمهوری اسلامی در پایان مهلت دو ماهه ترامپ محتمل خواهد بود.

اما در میدان دیگر که صحنه جنگ میان جمهوری اسلامی و توده های مردم ایران است، دست جمهوری اسلامی آنگونه که برای مذاکرات و مصالحه با «دشمن» بیرونی باز است، برای مصالحه با مردم ایران جهت متوقف کردن مبارزات کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، نویسندگان، هنرمندان، وکلا و دیگر لایه های اجتماعی موجود به کلی خالی است. جمهوری اسلامی با توده های مردم ایران نه تنها وارد مصالحه و مذاکره نخواهد شد، بلکه از آنجا که مردم ایران را تنها دشمن واقعی خود می داند، برای مقابله با این دشمن سازش ناپذیر و متوقف کردن مبارزات آنان همواره همان شیوه سرکوب و کشتار را که خامنه ای وعده داده، پیش برده است.

اعلان جنگ خامنه ای به توده های مردم ایران

خامنه ای به خوبی می داند، چه با انجام یک «نرماش قهرمانانه» به سبک و سیاق خودش و چه با نوشیدن «جام زهر» به شیوه خمینی، تسلیم خواست های ترامپ شود و چه با عدم تسلیم، زمینه های بمباران سایت های اتمی و موشکی جمهوری اسلامی را فراهم سازد؛ در هر دو حالت چیزی جز کشتار و فقر و فلاکت بیشتر عاید مردم نخواهد شد. لذا به خوبی بر این امر واقف است با وقوع هر یک از دو حالت فوق عملاً بازنده میدان است. اما در میدان دیگر که مردم قرار دارند، زمین برای بذر افشانی اعتراضات توده ای از هم اکنون فراهم است و چه بسا این بذر افشانی اعتراضات توده ای با در نظر گرفتن مجموعه نابسامانی های هیئت حاکمه، روحیات مبارزاتی مردم و پوسیدگی و تشنیت درونی نظام، شرایط ورود به اعتراضات خیابانی و وارد ساختن ضربات قطعی بر جمهوری اسلامی نیز مهیا تر می شود.

اینکه خامنه ای از هم اکنون به روی توده های معترض شمشیر کشیده و آنان را در پی وقوع هرگونه اعتراضات وسیع خیابانی به سرکوب و کشتار تهدید کرده است، احتمالاً آنگونه که خامنه ای می پندارد، پیش نخواهد رفت. توده های مردم جان به لب رسیده در برابر هرگونه سرکوب و اکتش نشان داده و دست به مقاومت خواهند زد. هرگونه سرکوب و مقابله قهری با مردم می تواند نتایج معکوسی به بار آورد. کارگران و زحمتکشان و عموم اقشار تهیدست جامعه، در برابر سرکوب و خشونت و ددمنشی رژیم مستبد حاکم کوتاه نیامده و صحنه مبارزه را ترک نخواهند کرد.

در این میان آنچه مهم است، میزان سازمان یافتگی اعتراضات توده ای و به طور اخص ورود متشکل و سازمان یافته طبقه کارگر در اعتراضات آتی توده های مردم ایران است. پوشیده نیست، وظیفه خطیر پیشبرد درست مبارزات آتی خیابانی توده های مردم ایران، بر دوش طبقه کارگر و پیشاهنگان مبارزاتی این طبقه است، تا بتوانند با گسترش اعتصابات و به طریق اولی قرار گرفتن در رأس مبارزات خیابانی توده های ستمدیده و معترض، آن را هدایت و به سر منزل مقصود برسانند.

"لفظ می‌خواستم به مردم کمک کنم و جان‌ها را نجات دهم"
قمار کثیف دولت فاشیستی اسرائیل و حماس با جان مردم فلسطین

حماس را بیرون برانند و مدعی شد که حماس چند تن از رهبران اعتراضات را دستگیر و شکنجه کرده است. جدا از پروپاگاندای دولت فاشیستی اسرائیل که اخبار منتشره از سوی آن را غیرقابل اعتماد می‌کند، به همان گونه که کشتار اخیر امدادگران هلال احمر را حمله به نیروهای مسلح حماس عنوان کرده بود، یک موضوع مهم در اعتراضات مردم غزه وجود دارد.

ابتدا باید تاکید کرد که اعتراضات مردم غزه بیش از هر چیز اعتراض به کشتار مردم فلسطین است و همان‌طور که اهالی معترض غزه نیز گفتند ابتدا و بیش از هر چیز حملات جنایتکارانه اسرائیل را محکوم می‌کنند. اما از سوی دیگر نشان دهنده آشکار خسته شدن مردم فلسطین از جنگی‌ست که تنها نتیجه‌ی آن کشتار مردم غزه است و این مردم هیچ نقشی در تصمیم‌گیری برای چنین به‌اصطلاح جنگی نداشته‌اند. مردم غزه از کشتار، ناامنی، از شیون کودکان، از گرسنگی و بی‌آبی بیزار و خسته هستند. این چیزی‌ست که امروز دو گروه ارتجاعی و فاشیستی که در دو سوی این درگیری‌ها هستند یعنی دولت اسرائیل و گروه حماس (و البته خط‌دهنده‌ی اصلی آن‌ها جمهوری اسلامی) از مردم فلسطین دریغ می‌کنند.

صلح حق مردم فلسطین است. مردم فلسطین حق دارند تا در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند، این یکی از بدیهی‌ترین حقوق مسلمی‌ست که امروز حتا در جهان سرمایه‌داری در ظاهر پذیرفته شده، اما از مردم فلسطین دریغ می‌گردد. مردم فلسطین حق دارند که در صلح، آزادی و در یک شرایط کاملاً انسانی از تمامی حقوق خود همچون غذا، آب آشامیدنی، بهداشت و درمان مناسب، مسکن، کار، آموزش، امنیت و غیره برخوردار باشند.

برای پایان دادن به این جنایات، برای رسیدن مردم ستمدیده‌ی فلسطین به حقوق انسانی خود، باید در کنار این مردم ایستاد و از حقوق آن‌ها به هر شکلی که می‌توان دفاع کرد. باید از حق مردم فلسطین برای داشتن دولتی مستقل دفاع و جنایات دولت فاشیستی اسرائیل را به شدت محکوم نمود. این مردم فلسطین هستند که باید و شایسته هستند و این حق را دارند که در مورد آینده‌ی خود تصمیم بگیرند. هیچ جنگ و جنایتی نمی‌تواند این حق را از مردم فلسطین بگیرد. تاریخ گواه است.

بحران آب و یک راه حل قطعی

استان است از جمله سد امیر کبیر، لار، لتیان، طالقان و ماملو به شدت کاهش یافته است. حجم مفید مخزن سد امیرکبیر تقریباً به نصف کاهش یافته و سد لار تقریباً خشک شده است. ورودی آب سدهای کشور در سال ۱۴۰۳، ۵ / ۹ میلیارد متر مکعب بوده که نسبت به سال قبل از آن ۳ / ۵ میلیارد مترمکعب افت داشته است. سد میناب در هرمزگان، زاینده رود در اصفهان، پانزده خرداد در خراسان رضوی و سد ساوه در وضعیت قرمز قرار دارند. مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران، شرایط آبی سال ۱۴۰۴ را سخت‌تر از سال گذشته خواند(ایلنا ۱۶ فروردین ۱۴۰۴). اوضاع به قدری وخیم است که ممکن است تابستان سال جاری آب جیره بندی شود و ماجرای کمبود و قطع برق و گاز، با کمبود و قطع آب تکمیل شود.

جلوگیری از این فاجیع و بحران آب قطعاً ممکن می‌بود هرآینه یک دولت کارگری و شورایی بر سرکار می‌بود و سیاستهای درستی منطبق با منافع توده مردم و حفظ و سلامت محیط زیست اتخاذ می‌شد. سیاستهای جمهوری اسلامی اما همه‌جا برپایه منافع مثنی سرمایه‌دار و انگل مفت خور، علیه توده مردم و بر ضد طبیعت بوده است. ارتجاع اسلامی طی بیش از ۴۶ سال حاکمیت ننگین خود تنها و تنها در فکر غارت و چپاول بوده است و در این راه از تخریب و حتی انهدام طبیعت نیز ابایی نداشته است.

آخرین خبرها حاکی از آن است که در اثر تشدید مبارزه و گسترش بیش از پیش اعتراضات و تظاهرات گسترده کشاورزان شهرها و روستاهای استان اصفهان، دولت جمهوری اسلامی وادار به بازگشائی آب زاینده رود شد. کشاورزان اصفهان با پیگیری و استمرار مبارزه و کسب این پیروزی، موفق شدند زمین های زیر کشت خود را آبیاری کنند. تجربه یکبار دیگر نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی جز با زور و مبارزه، عقب نشینی نمی‌کند و کشاورزان اصفهان نیز با توجه به این تجربه می توانند این پیروزی را به یک پیروزی با دوام تبدیل کنند.

مردم ایران حق دارند از یک زندگی خوب و از محیط زیست سالم برخوردار باشند. مردم استان یزد حق دارند از آب شرب کافی برخوردار باشند. کشاورزان اصفهان حق دارند باغ ها و زمین های زیر کشت خود را به موقع آبیاری کنند. سیاستها و عملکرد دولت حاکم اما درست مقابل منافع و حق و حقوق توده مردم بوده است. ارتجاع اسلامی قادر به حل بحران های عدیده ای که با آن دست به گریبان است حتی بحران آب، نیست. حل بحران آب در گرو یک مبارزه همه‌جانبه و قاطع است. توده های مردم قبل از هر چیزی باید با تشدید مبارزات خود تکلیف رژیم ارتجاعی حاکم را یکسره کنند. کارگران و زحمتکشان در صف مقدم این مبارزه باید به انقلاب برخیزند و همراه با رهایی خود از شر رژیم و بحران های آن، طبیعت و محیط زیست را نیز از چنگال مرتجعان و استثمار گران نجات دهند.



اعلان جنگ خامنه ای به توده های مردم ایران

خیلی اطمینان نداریم. احتمال زیاد نمی دهیم از بیرون شرارتی انجام بگیرد. اما اگر از بیرون شرارتی صورت بگیرد، ضربه محکم و سختی خواهند خورد».

اگرچه جملات پایانی این اعلام نظر خامنه ای علیه آمریکا، بخشی از رجزخوانی های تکراری او برای دلگرمی نمازگزاران و حامیان رژیم بود، اما مجموعه این بخش از سخنان او که در سطور بالا به آن اشاره شد، می تواند مقدمه ای برای ابراز نگرانی های فزاینده او از شکل گیری شورش و قیام و اعتراضات خیابانی مردم علیه جمهوری اسلامی در فرایند تحولات جاری باشد.

خامنه ای در ادامه صحبت هایش بی آنکه بخواد وحشت فزاینده خود و نظام را از شرایط سختی که در آن قرار دارند کتمان کند، با نگرانی از وقوع «فتنه» در داخل کشور حرف زد و به مردمی که بخوانند در اعتراض به وضعیت موجود به خیابان بریزند، با زبان تهدید و سرکوب گفت: «اگرهم به فکر فتنه در داخل کشور باشند؛ جوابشان را خود ملت ایران خواهد داد. چنانچه در گذشته داده اند».

رهبر مرتجع جمهوری اسلامی که همواره از مبارزات جاری مردم ایران به عنوان «فتنه» یاد کرده است، از هم اکنون برای مقابله با وقوع

در صفحه ۶

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1114 April 2025



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی , رفقا و همراهان گرمی

بدینوسیله به اطلاع شما می رسانیم ساعات پخش برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی از ماهواره آترناتیو شورایی از تاریخ جمعه اول فروردین ۱۴۰۴ تغییر خواهد کرد. ساعات جدید پخش برنامه های ما از اول فرودین بدین قرار می باشد :

تلویزیون دمکراسی شورایی برنامه های روزانه خود را به مدت ۹۰ دقیقه در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت نه و نیم تا یازده شب به وقت ایران پخش می کند و تکرار این برنامه ها در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه خواهد بود. تکرار برنامه ها از ساعت نه و نیم تا یازده صبح، سه و نیم تا پنج عصر و یازده تا دوازده و نیم شب به وقت ایران می باشد. روز یکشنبه نیز برنامه ما به مدت یکساعت از ساعت ده و نیم شب تا یازده و نیم خواهد بود. در روز دوشنبه سه بار نیز برنامه یکشنبه باز پخش می شود. برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه تلویزیون آترناتیو شورایی از ماهواره یاه ست پخش می شود

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید از سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب سازمان فدائیان (اقلیت) و تلویزیون دمکراسی شورایی نیز دنبال کنید.

آدرس تلویزیون دموکراسی شورایی در شبکه های اجتماعی:

یوتیوب: tvshora1349

اینستاگرام: tv_shora

فیس بوک: tvshora

تلگرام: tvshora

شماره واتساپ برای پیام های صوتی و نوشتاری

0031644664405

آدرس تماس ای میل: tvshorashora@gmail.com

سایت تلویزیون : [www. Tvshora.com](http://www.Tvshora.com)

مشخصات و تغییر ساعات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و اشنایان خود برسانید .

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی